

بررسی تأثیر توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مجتبی ملکشاهی

چکیده:

با پایان چهل سالگی یا به تعبیری «چله انقلاب» و آغاز دهه پنجم حیات انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری با صدور بیانیه‌ای موسوم به «گام دوم انقلاب»، مسیر آینده کشور را به مثابه «نقشه راهی» ترسیم کرده و مردم و مسئولین را در گام برداشتن بر صراط آن را توصیه نمودند. ایشان در این بیانیه و در یک رویکرد راهبردی واقع‌بینانه، استمرار اقتدار و استقلال ایران را ترسیم نموده‌اند. از سوی دیگر بقاء و دوام یک نظام سیاسی مرهون کاربست شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر حکمرانی (همچون کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و غیره) است که اندیشمندان یکی از مهم‌ترین این عوامل را «توسعه سیاسی» می‌دانند. توسعه سیاسی در کلیت خود بخشی از فرآیند پیچیده توسعه ملی است که از نظر سیاسی به منظور حل تضاد منافع فردی و جمعی در دو بُعد مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی باهدف ارتقاء ظرفیت‌های مادی و معنوی یک نظام اجتماعی تجلی می‌یابد. بنابراین، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد هراندازه که یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از سادگی به پیچیدگی و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی در آن نظام افزایش یافته است. در این فرآیند حکمرانی خوب را نیز مهم و متأثر از سطح توسعه سیاسی می‌دانند. حکمرانی خوب نیز به معنای اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری به منظور اداره امور کشور در تمام سطوح و شئون است که شامل اعمال حاکمیت در سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که توسط شهروندان و گروه‌ها به منصف ظهور می‌رسد. بدین‌سان که دولت تعیین‌کننده چارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی بوده، جامعه مهیاکننده بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و گروه‌ها نیز حد واسطه و حلقه واصل حاکمیت با جامعه می‌باشند.

هدف از نگارش مقاله حاضر، پاسخگویی به این سؤال است که اولاً مؤلفه‌های توسعه سیاسی چه تأثیری بر حکمرانی خوب دارند؟ و ثانیاً راهبرد بیانیه گام دوم در این رابطه چیست؟ در پاسخ به سؤال پژوهش این فرضیه مطرح شد که هر اندازه مؤلفه‌های توسعه سیاسی (مشارکت، اعتماد، رقابت و انسجام سیاسی) افزایش یابند، به همان میزان شاهد تحقق حکمرانی خوب در جامعه هستیم؛ به عبارت دیگر میان مؤلفه‌های توسعه سیاسی و حکمرانی خوب ارتباط و همبستگی مستقیم وجود دارد. روش پژوهشی به کار گرفته شده، روش آمیخته (ترکیب کمی و کیفی) بوده و تکنیک مورد استفاده در آن پیمایش است و با ابزار اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای داده‌های مورد نظر جمع‌آوری شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه توسعه سیاسی و حکمرانی خوب از نوع همبستگی مستقیم است، بدین معنا که پیش شرط تحقق حکمرانی خوب، افزایش سطح و میزان مؤلفه‌های توسعه سیاسی می‌باشد.

کلیدواژه: حکمرانی خوب، توسعه سیاسی، بیانیه گام دوم، مشارکت سیاسی، کنترل فساد.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

در سال‌های اخیر و با تغییرات سریع دولت و فرآیند حکمرانی و مدیریت^۱ در عصر جهانی‌شدن^۲، در ادبیات مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی مفهوم «حکمرانی خوب»^۳ کاربرد بسیاری یافته است. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان در آثار خود به تحلیل مفهوم، آثار، نتایج، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب پرداخته‌اند. به گونه‌ای که ارگان‌های رسمی سازمان ملل متحد همانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز به ارائه تعاریف و معیارهایی از این مفهوم نوین برای طبقه‌بندی کشورهای جهان و بالأخص کشورهای جهان سوم اشاره داشته و گذار از وضعیت عقب‌ماندگی به توسعه و پیشرفت را از این مسیر دانسته‌اند. علی‌رغم همه تشکّات‌های موجود در ارائه تعاریف از حکمرانی خوب، اما غالب این تعاریف و مفاهیم بر سه حوزه «حکومت»، «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی» به عنوان طرفین این تعامل در ساختاری افقی و به صورت متوازی اشتراک نظر دارند. در این ساختار حکومت دارای ابعاد سیاسی و حقوقی بوده و مبتنی بر راهبری و تسهیل‌گری امور در رفع نیازها می‌باشد و بخش خصوصی و جامعه مدنی موازی با حاکمیت، در قالب تفکر شبکه‌ای، به گونه‌ای منسجم عمل می‌کنند. برآیند و خروجی الگوی حکمرانی خوب، از میان رفتن تفکر عمودی و سلسله‌مراتبی روابط اجتماعی از یک‌سو و جایگزینی آن با روابط تعاملی و هوشمندانه از سوی دیگر است.

بنابراین در الگوی حکمرانی خوب، کارکرد و ماهیت دولت به عنوان نیروی مزاحم، سلطه‌گر، انحصاری تغییر یافته و به جای آن کارکردی راهبردی، تسهیل‌گر و با ماهیتی کمی به خود می‌گیرد. این فرآیند تغییر مختص به دولت و حاکمیت نبوده و دو عرصه دیگر یعنی جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد. بدین معنا که این دو حوزه نیز با هماهنگی و همساز نمودن تعاملات اجتماعی کارکردی مثبت و کیفی به خود گرفته و در نهایت با تلاقی و پیوند خروجی‌های این تعامل سه گانه، اعتماد و همکاری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تقویت شده و در نتیجه برون‌داد آن را می‌توان گام برداشتن کلیت یک جامعه در مسیر توسعه ملی دانست.

توسعه ملی را در اصطلاح، بالا رفتن ظرفیت مادی و معنوی نظام ملی و رسیدن به سطوح جدید پیچیدگی، نظم و نوآوری دانسته‌اند که از نظر اقتصادی، به معنای الزام افزایش تولید و بالا رفتن رفاه اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی تعریف کرده و از نظر فرهنگی آن را به معنای الزام به گذار از فرهنگ بسته و سنتی به فرهنگ باز عقلایی معنا نموده‌اند. اما توسعه ملی از نظر سیاسی به مفهوم الزام به حل تضاد منافع فردی و جمعی دانسته‌اند. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۳۷۷) با تأمل و غور در این تعاریف، ارتباط ساختاری حکمرانی خوب و توسعه ملی به راحتی آشکار می‌گردد. چرا که نیل و دستیابی به سطح معقولی از حکمرانی خوب، مرهون دستیابی به سطح بالایی از توسعه ملی و بالأخص نوع سیاسی آن می‌باشد.

مفهوم توسعه سیاسی نیز از بنیادی‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی و مدیریت است؛ چرا که تعیین میزان و نوع توسعه سیاسی، قابلیت تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیمی در تعیین نوع حکومت، سیستم سیاسی کشورها و همچنین چگونگی تعامل دولت و جامعه مدنی و بخش خصوصی را دارا می‌باشد. بدین معنا که افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی‌بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه به عنوان مشخصه‌های توسعه سیاسی، توانایی شگرفی بر تمام ساختارهای اجتماعی را دارا می‌باشد.

پرواضح است که دستیابی و نیل به توسعه سیاسی و به طریق اولی توسعه ملی، هدف و مقصود حکام و فرمانروایان هوشمند و عاقلی است که از طریق آن، در تلاشند تا سرنوشت یک جامعه و کشور را به اعلالین هدایت نمایند. با تأکید بر این امر،

¹ Administration

² Globalization

³ Good Governance

بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری به عنوان ترسیم‌کننده خط‌مشی نظام، بسیار حائز اهمیت است. در این میان و مصادف با شروع چهل سال دوم پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرماندهی معظم کل قوا در سندی راهبردی موسوم به «بیانیه گام دوم انقلاب»، نقشه راهی جامع را خطاب به خواص و عوام ایران اعلام داشتند که از خلال آن خط سیر توسعه و پیشرفت کشور ترسیم شده و انقلاب اسلامی به تعبیر ایشان «وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

۱-۲- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

توسعه سیاسی چه تأثیری بر حکمرانی خوب دارد؟

سؤال فرعی:

مؤلفه‌های توسعه سیاسی (مشارکت، رقابت، اعتماد و انسجام) چه تأثیر و رابطه‌ای با حکمرانی خوب دارند؟

۱-۳- فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

چنین به نظر می‌رسد که توسعه سیاسی تأثیر مستقیمی بر میزان تحقق حکمرانی خوب خواهد داشت.

فرضیات فرعی:

فرضیه ۱) چنین به نظر می‌رسد که، بین مشارکت سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲) چنین به نظر می‌رسد که، بین رقابت سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳) چنین به نظر می‌رسد که، بین اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴) چنین به نظر می‌رسد که، بین انسجام سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

۱-۴- اهداف تحقیق

- مطالعه مفاد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

- بررسی تأثیرات توسعه سیاسی بر حکمرانی خوب

- بررسی شاخص‌های توسعه سیاسی در ایران

- برشمردن شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب

۱-۵- روش تحقیق

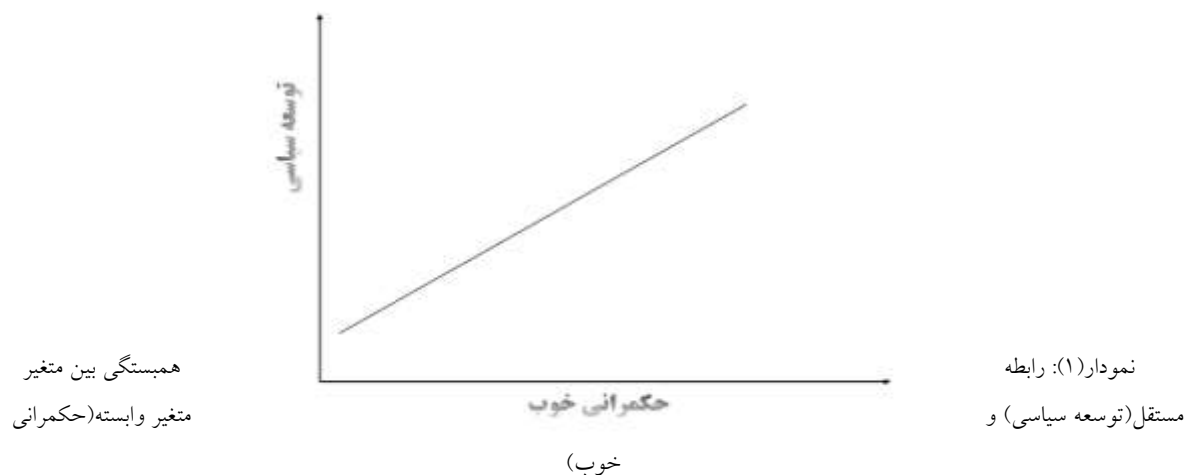
در فرآیند پژوهش، یکی از مهم‌ترین بخش‌ها را گردآوری داده‌ها و شیوه‌های آن تشکیل می‌دهد. قدر مسلم، ابزارهای گوناگونی برای گردآوری داده‌ها وجود دارد و هر پژوهشگر بنا به نوع پژوهش و ضرورت، یکی از روش‌های کلی گردآوری داده‌ها شامل: مرور بر پژوهش‌ها، پرسشنامه‌ها و یا مشاهدات را انتخاب می‌کند. (طیبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳).

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و به روش آمیخته (ترکیب داده‌های کمی و کیفی) انجام می‌پذیرد. بدین معنا که ابتدا داده‌های مدّ نظر را از طریق پیمایش و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته، در بوطه تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. پیمایش که از جمله تکنیک‌های مورد استفاده در رویکرد کمی است، با پارادایم پوزیتیویستی به اثبات رابطه بین متغیرها می‌پردازد. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است که با استفاده از نظرات و بهره‌گیری از مشورت اساتید و کارشناسان حوزه علوم اجتماعی تأمین شده است.

پس از طی مرحله کمی پژوهش، اسناد مورد نیاز را به روش کتابخانه‌ای از کتب، مقالات دسته‌اول و معتبر گردآوری می‌کنیم. بنابراین، بخش اعظمی از اطلاعات مورد استفاده در پژوهش حاضر، از طریق بررسی و پژوهش‌های کتابخانه‌ای کسب گردیده است که فهرست جامع و کامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و مجله‌های مورداستفاده در این پژوهش، در کتاب‌نامه، آورده شده است.

در این تحقیق کلیه افراد بالای ۱۸ سال (سن بلوغ سیاسی) در شهر تهران به‌عنوان جامعه آماری مطالعه مطرح می‌باشند. که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ (مستخرج از درگاه ملی آمار) جمعیت شهر برابر ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ نفر می‌باشند و تعداد افراد جامعه آماری (واجدین شرایط شرکت در انتخابات) برابر ۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر است.

در این پژوهش میان متغیر مستقل (توسعه سیاسی) و متغیر وابسته (حکمرانی خوب) رابطه همبستگی برقرار می‌باشد. بدین معنا که هر اندازه میزان توسعه سیاسی در جامعه افزایش یابد، به همان میزان شاهد تحقق حکمرانی خوب در آن جامعه هستیم. این رابطه را می‌توان به صورت نمودار زیر مشاهده نمود:



حجم نمونه: در بخش کمی و برای تکمیل پرسشنامه‌ها تعداد حجم نمونه بر اساس جدول «کرجسی و مورگان»^۱ برابر ۳۸۴ نفر است.

۲- پیشینه تحقیق، ادبیات و تبیین یافته‌ها

۲-۱- بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به مردم شریف ایران اسلامی به‌ویژه جوانان ابلاغ کردند، حوزه‌های گوناگونی را بررسی کرده است. گرچه این بیانیه به گام دوم انقلاب مشهور شده است، اما از مرحله سوم یعنی «تمدن سازی» آغاز می‌شود. رهبر معظم انقلاب سال‌ها پیش از مراحل ساخت تمدن اسلامی را شامل پنج مرحله دانسته‌اند که عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی. به عبارت دیگر، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی با طی مراحل «انقلاب»، «نظام سازی»، «دولت سازی» و «جامعه سازی» در نهایت به مرحله «تمدن سازی» می‌رسد که هدف نهایی انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل است. (اکرمی نیا، ۱۳۹۸: ۲۳)

¹ Krejcie and Morgan

این بیانیه از نظر محتوایی دارای چند مشخصه بارز است از جمله اینکه وضعیت گذشته و فراز و فرودهای طی شده را به خوبی تبیین کرده و راه برون‌رفت از مشکلات آینده را شناخت گذشته انقلاب دانسته و می‌فرماید: «با برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

دیگر آنکه در این بیانیه بر دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی تأکید بسیاری شده است که این دستاوردها هم شامل مسائل غیرمادی (مشارکت مردمی در مسائل سیاسی، گسترش فضای معنویت و اخلاق و...) می‌باشد و هم دستاوردهای مادی (بومی‌شدن توانمندی‌ها، ثبات و امنیت و آرامش و...).

اما مهم‌ترین بخش از محتوای این بیانیه مربوط به ترسیم آینده انقلاب در قالب یک «رویکرد راهبردی» است که در یک نگاه بلند و دور، راهبردهایی را برای حرکت انقلاب در مسیر پیشرفت و تعالی ارائه کرده است که بارزترین نشان آن را می‌توان موضوع «امیدبخشی به نسل حاضر و نسل‌های آینده» دانست که با نگاهی خوش‌بینانه و نشاط‌آفرین با تکیه بر «نیروی جوانان» می‌توان به هدف غایی انقلاب که ایجاد تمدن اسلامی است دست یازید. همان‌گونه که ایشان در متن بیانیه می‌فرمایند: «اما پیش از همه چیز نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی هیچ گامی نمی‌توان برداشت». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) و ایشان نبض حرکت و موتور محرکه و پیشران را در این مسیر جوانان دانسته و از این نیرو به عنوان «موتور محرکه و پیشران انقلاب» یاد می‌کنند. در این متن راهبردی، معظم‌له چهل‌بار از کلید واژه «جوان» استفاده کرده‌اند که حاکی از اهمیت جوانان در نگاه ایشان است.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، «افزایش بینش سیاسی مردم» است که تجلی آن را می‌توان در «مردمی‌شدن سیاست» و «چگونگی نگرش سیاسی مردم» دانست که این امر را برون‌داد و نتیجه «افزایش اعتماد سیاسی» و «مشروعیت سیاسی نظام» می‌دانند که اینها خود ضریب امنیت و پایداری نظام اسلامی را ارتقاء می‌بخشد.

مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یکی از چالش‌های مهم پیش روی کشور را فساد در حوزه‌های گوناگون همچون اقتصادی، اخلاقی و سیاسی دانسته و از آن با عنوان «توده چرکین» کشورها و نظام‌ها یاد می‌کنند. نتیجه آنکه این توده چرکین دارای بازخوردهایی مانند بی‌اعتمادی مردم به نظام، افزایش شکاف طبقاتی، ناتوانی نظام سیاسی در اجرای عدالت و ایجاد ناامیدی در میان مردم و حتی ایجاد شورش‌های اجتماعی و ایجاد چالش‌های امنیتی می‌باشد.

۲-۲- حکمرانی خوب

واژه حکمرانی^۱ در ادبیات سیاسی اصطلاحی جدید نیست، بلکه کاربرد آن سابقه‌ای به درازای عمر بشریت دارد. حکمرانی، فرآیندی است که طی آن گروهی از مردم به نمایندگی از آنها تصمیم می‌گیرند و گروهی دیگر به نمایندگی از آنها و تحت نظارت آنها عمل می‌کنند. (سانتیسو، ۲۰۰۱) علیرغم ریشه تاریخی واژه حکمرانی، اصطلاح «حکمرانی خوب» به عنوان پارادایمی نوین در علوم انسانی، حد واصل و نقطه تلاقی حوزه‌های سیاست، اقتصاد، علوم اجتماعی، مدیریت، حقوق و... محسوب شده و در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردید. این اصطلاح را برای نخستین بار «ویلیام سون»^۲ در ۱۹۷۹ در ادبیات اقتصادی به کار برد و پس از آن به تدریج در میان اندیشمندان حوزه‌های مختلف و مخصوصاً در حوزه علوم سیاسی مصطلح گردید. این واژه نیز به مثابه سایر اصطلاحات در علوم انسانی دارای تعریف واحدی نبود و هر صاحب‌نظری بنابر

^۱ Governance

^۲ William son

سلیقه و اعتقاد خود تعابیر و تفاسیری در تعریف آن ارائه نموده است. در یک تعریف آمده: «حکمرانی یعنی اداره کردن قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چارچوب آن قواعد است» (Graham, 2003: 57). برخی نیز همچون تیسدل ۱۹۹۸، ویس ۲۰۰۰، تیلور ۲۰۰۰، جیمز گاستو اسپت ۲۰۰۱ و نیز برخی نهادها مانند بانک جهانی^۱ آن را با ویژگی‌هایی نظیر حاکمیت قانون، پاسخگویی و کارآیی و غیره تلقی کرده و برخی نیز آن را با عناصرش از جمله در نظر گرفتن تنوع میان افراد، سازمان‌ها و نهادها، پویایی محیط‌ها، فرآیندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادها و عقلانی کردن نقش دولت و... تعریف می‌کنند. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۳)

حکمرانی بر اساس تعریف برنامه توسعه ملل متحد^۲ اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری به منظور اداره امور کشور در تمام سطوح است. این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن نهادها، شهروندان و گروه‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷: ۹) از نظر بانک جهانی، حکمرانی روشی برای اعمال قدرت به منظور مدیریت اقتصاد و منابع اجتماعی کشور برای توسعه است. بر اساس این تعریف مفهوم حکمرانی ارتباط مستقیمی با مدیریت فرآیندهای توسعه در دو بخش عمومی و خصوصی دارد. از نظر کافمن، حکمرانی عبارتست از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه. (Kaufman, 2003: 5) انستیتو حکمرانی اوتاوا نیز حکمرانی را ترکیبی از سنت‌ها، نهادها و فرآیندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌گردد. (Weiss, 2000: 815)

در رابطه با ادبیات تجربی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، غالب آثار پیرامون ارتباط حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی شکل گرفته و بالأخص بر شاخص مبارزه با فساد تأکید داشته‌اند. با اینحال، می‌توان مهم‌ترین سوابق ادبی مرتبط را به شرح زیر ارائه نمود:

دنيس آسبورن (۱۹۹۳) مطالعه‌ای در ارتباط با حکمرانی و توسعه در فاصله سال ۱۹۹۰-۱۹۹۲ انجام داده است و به این نتیجه رسیده است که فساد به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب، نابود کننده حکمرانی خوب است و هزینه‌های زیادی از جمله فقدان امنیت، اعتماد، اعتبار و ثبات سیاسی را به جامعه تحمیل می‌کند. او معتقد است که حکمرانی خوب، روش مناسبی برای کاهش فساد، افزایش اعتماد و بهبود کیفیت خدمات است. (Osborne, 1993: 116-117)

گیلبرت^۳ (۲۰۰۳)، در پژوهش خود با موضوع «بررسی اهمیت حکمرانی خوب»، کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف می‌باشد. به منظور بررسی تأثیر کیفیت نهادها بر رشد و توسعه اقتصادی، گیلبرت فرضیه‌هایی را در مطالعه خود به کار برد: الف) بر اساس مدل رشد درون‌زا، سیاست آزاد تجاری بر عملکرد اقتصادی تأثیر مثبتی دارد. ب) کیفیت نهادها نیز تأثیر مثبتی در بهبود توسعه اقتصادی دارد.

هاتر و شاه^۴ (۲۰۰۰) نیز شاخص‌هایی مانند مشارکت شهروندان، دولت‌محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند و معتقدند که به هر میزان در دستیابی به ویژگی‌های معرفی شده موفقیت حاصل شود، به حکمرانی خوب نزدیک می‌شود. این دو، مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب را شامل: مشارکت شهروندان (آزادی سیاسی،

¹ World Bank

² United Nations Development programmed (UNDP)

³ Gilbert Niyongabo

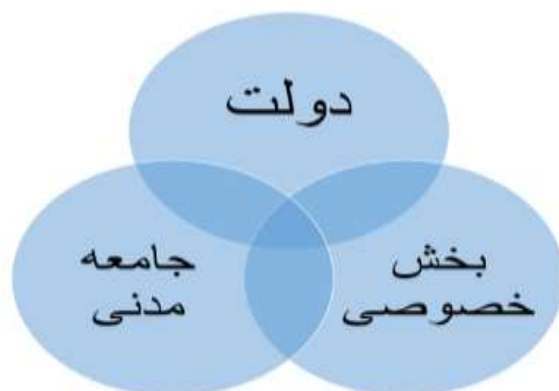
⁴ Huther and Shah

پایداری سیاسی)، دولت محوری (کارایی قضایی، کارایی اداری، فساد پایین)، توسعه اجتماعی (توسعه انسانی، توزیع عادلانه) و مدیریت اقتصادی (توجه به بیرون، استقلال بانک مرکزی و برگشت سود نسبت به نرخ) می‌دانند. (Huther and Shah, 2000: 28)

صندوق توسعه سازمان ملل نیز به عنوان متولی امر توسعه در بیش از ۱۶۶ کشور دنیا، برای حل مشکلات و مسائل توسعه، اولویت‌هایی را به شرح زیر تعریف نموده است:

- ۱- نهادهای حکمرانی؛ مجموع دستگاه‌های قضایی، حقوقی، انتخابی و اجرایی.
- ۲- مدیریت بخش عمومی و خصوصی: ارتقاء قابلیت‌های بخش عمومی و خصوصی، اصلاح ساختارها و فرآیندها.
- ۳- عدم تمرکز و حاکمیت محلی؛ حمایت از حکومت‌های محلی و توجه به بازیگران رسمی و غیررسمی و نیز بازیگران محلی، منطقه‌ای و ملی.
- ۴- سازمان‌های مدنی و غیردولتی (NGO)؛ توجه به نقش نهادهای مدنی و بازیگری آنها در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات.

همانگونه که عنوان گردید، در حکمرانی خوب شراکت و تعامل بین سه رکن اصلی یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. این شراکت سبب می‌شود تا امور عمومی و مسائل عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری اداره شود. ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یادشده، زمینه تحقق حکمرانی خوب را در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد. UNDP این تعامل را به صورت نمودار زیر تبیین می‌نماید:



الگوی (۱): نحوه تعامل سه حوزه حکمرانی: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی. UNDP

بنابر نظر UNDP حکمرانی دارای سه بُعد یا رکن اقتصادی، سیاسی و اداری است. بُعد «اقتصادی» شامل فرآیندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اقتصاد کشورهای دیگر در ارتباط است. بُعد «سیاسی» همان فرآیندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌ها است. و بُعد «اداری»، همان سیستم اجرای خط مشی‌هاست.

حکمرانی در هر یک از ابعاد سه‌گانه فوق، دارای حوزه نظری خاص خود است و رویکرد جداگانه‌ای را به بحث گذاشته است. اما آنچه که حائز اهمیت است، ترکیب سه بُعد مذکور می‌باشد که فرآیندها و ساختارهایی را مشخص می‌سازد که روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را راهبری و هدایت می‌کند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۶)

در ایران مطالعات متعددی در رابطه با حکمرانی خوب به‌ویژه با محوریت دین اسلام انجام گرفته است. به عنوان نمونه، کمبجانی و سلاطین (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب

همسایه (ترکیه و پاکستان)»، اثر کیفیت حکمرانی را بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های تلفیقی (پانل) در ایران و کشورهای منتخب همسایه در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از مدل نیز نشان می‌دهد شاخص کیفیت در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشد و... .

ناظمی اردکانی (۱۳۹۰)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، عنوان می‌دارد که ساخت «حکمرانی خوب» در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تأمین امنیت و رفاه جامعه است و رشد اقتصادی هدف می‌باشد؛ اما در «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» رشد اقتصادی و تأمین امنیت و رفاه جامعه ابزار بوده و هدف «تعالی انسان» می‌باشد که بُعد معنوی و مادی انسان را شامل می‌شود.

میدری و خیرخواه (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به بررسی رابطه حکمرانی خوب و فساد پرداخته و عنوان می‌نمایند که حکمرانی خوب به عنوان یک استراتژی با ویژگی‌هایی همچون پاسخگویی کارگزاران، شفافیت کارها و حق اظهار نظر شهروندان، دولت شفاف، کارآمد، درستکار، شایسته‌سالار، دارای قوانین و مقررات ساده و حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه مطرح می‌باشد.

ارائه مؤلفه‌هایی مشترک و مورد پذیرش همه صاحب‌نظران از حکمرانی خوب نیز به مانند سایر اصطلاحات علوم سیاسی و نیز مفهوم حکمرانی خوب، بسیار صعب و مشکل می‌نماید. ولیکن با غور و تأمل در تمام تعاریف ارائه شده از حکمرانی خوب، می‌توان مؤلفه‌هایی همانند حاکمیت قانون^۱، شفافیت^۲، مسئولیت‌پذیری^۳، مشارکت^۴، انعطاف‌پذیری^۵ و ثبات سیاسی^۶ را خلاصه نمود. (بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲)

از نظر دی‌فرانتی (۲۰۰۹) حکمرانی خوب نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت است که این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگی آن تأکید دارد. با توجه به این گونه تعبیر و تفسیر، اصطلاح حکمرانی خوب نشانه تغییر پارادایم نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزاء گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند و به نوعی زمینه‌سازی برای توسعه است. بر این اساس، مقوله حکمرانی خوب نشانگر تغییر پارادایم نقش دولت، حکومت و همچنین شراکت دولت و نیروهای اجتماعی در تصمیم‌گیری است؛ به نوعی صدای همه مردم هنگامی که تصمیم‌هایی گرفته می‌شود و منابع تقسیم می‌شوند به گوش می‌رسد. (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

هنگام کاربرد واژه حکمرانی می‌بایست دو نکته را همواره مد نظر داشت: نخست اینکه، حکمرانی به معنای حکومت نیست. بلکه حکمرانی به عنوان یک مفهوم، مشخص می‌سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت وجود دارد و همانگونه که گفته شد، حکمرانی سه گروه اصلی از بازیگران یعنی حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی را شامل می‌شود. دوم اینکه، حکمرانی بر «فرآیند» تأکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلاقی رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است. پس «حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره امور مشترک کشور است و فرآیند مستمری

¹ The Rule of Law

² Transparency

³ Responsibility

⁴ Participation

⁵ Responsiveness

⁶ Political Stability

از منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و تریبیات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۱۹)

فارغ از وجود تعاریف مختلف و گسترده از اصطلاح حکمرانی خوب، آنچه که در این عبارت حائز اهمیت است، ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه است که اگر چنین وضعیتی رخ دهد، حکمرانی خوب برای توسعه شکل می‌گیرد. با این شرایط دولت چارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی را تعیین کرده، بخش خصوصی تولید ثروت کرده و ایجاد اشتغال می‌نماید و جامعه از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارتباط متقابل جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. از آنجا که هر یک از این سه حوزه ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، حکمرانی خوب را به ویژه در ارتباط با الزام توسعه پایدار به منزله وجود یک ارتباط سازنده میان این سه حوزه می‌دانند. (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۷۶)

ارتباط سه حوزه مذکور مبتنی بر الگوی تعاملی است که در آن هر یک از بخش‌ها با وظایف و کارکردهای خود در پیشبرد سایر بخش‌ها نقش ایفا می‌کنند. بازیگران حوزه دولت بازیگران محلی و ملی در سطح قوای سه‌گانه و مؤسسات عمومی مانند شهرداری‌ها و قوای نظامی است. بازیگران حوزه جامعه، انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای دانشگاهی و پژوهشی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مذهبی و سازمان‌های مدنی است و بازیگران بخش خصوصی شامل شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ، اتحادیه‌ها و انجمن‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، اتاق بازرگانی و شرکت‌های چندملیتی است. (قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸)

۱-۲-۲- شاخص‌های حکمرانی خوب

با توجه به تعاریفی که از حکمرانی خوب شد، مشخص است که این نوع از حکومت‌داری، دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های خاصی است. اما اندیشمندان توسعه هر کدام صرفاً به جنبه خاصی از آن نگاه می‌کردند و دید جامعی نداشتند، تا این که در پاسخ به تقاضاهای روبه رشد برای تدوین معیار و ملاک برای حکمرانی خوب، بانک جهانی با دیدی عام و جامع، شاخص‌های مربوطه را گردآوری و تدوین نموده و بر اساس آن، کشورها را رده‌بندی می‌کند. این رده‌بندی کشورها با توجه به شش جنبه از حکمرانی خوب صورت می‌گیرد: حق اظهار نظر و پاسخگویی^۱، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۲، کارایی و اثربخشی دولت^۳، حاکمیت قانون^۴، کیفیت قوانین و مقررات^۵ و کنترل فساد^۶. به طور کلی شاخص‌های حکمرانی خوب با توجه به تعریف دانیل کافمن^۷ عبارتند از:

الف) حق اظهار نظر و پاسخگویی: این شاخص، حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن شهروندان یک کشور قادرند تا در انتخاب حکومتشان مشارکت کنند، دارای آزادی بیان، آزادی تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌ها هستند. (Kaufmann, 2007: 184)

در واقع، این شاخص بیانگر مفاهیمی چون توجه حاکمان به حقوق بشر، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، برگزاری انتخابات آزاد، محدودیت حضور نظامیان در سیاست، شفافیت سیاست‌های حکومت، اعتماد به فرآیند قانونگذاری است. (مهرگان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

¹ Voice and accountability

² Political stability and absence of violence

³ Government Effectiveness

⁴ Rule of law

⁵ Quality Rules and Regulation

⁶ Control of corruption

⁷ Daniel Kaufmann

ب) **ثبات سیاسی و عدم خشونت:** این شاخص برداشت‌های احتمالی را می‌سنجد که بر اساس آنها، ممکن است حکومت توسط حرکت‌های مخالف یا به وسیله خشونت از جمله تروریسم، متزلزل و یا سرنگون گردد. (Kaufmann, 2007: 184) بر اساس این شاخص، هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری کسب می‌کند. (نادری‌قمی، ۱۳۹۰: ۸۱)

ج) **کارایی و اثربخشی دولت:** این شاخص برای سنجش کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال آنها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و باورپذیری مجموعه حکومت به چنین سیاست‌هایی به کار می‌رود. (Kaufmann, 2007: 184) منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت است. به عبارت دیگر، منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری‌های سیاسی ملی، تدوین به موقع بودجه‌های سالانه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد. (Dutta, 2008: 195) اثربخش به توانایی دولت در مواجهه با مشکلات کلان ملی، دولت الکترونیک، کیفیت بوروکراسی و سیستم اداری و نقص‌های سیستم دولتی توجه دارد. (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۲۳)

د) **حاکمیت قانون:** این شاخص حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن، عاملان به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آنها اطاعت می‌کنند. همچنین این شاخص بیانگر کیفیت قراردادهای، کار پلیس، دادگاه‌ها و نیز احتمال خشونت و جنایت است. (Kaufmann, 2007: 184) اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت (مهرگان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۰) هزینه‌های جرم و جنایت، بازار سیاه، استقلال قضایی و مالکیت معنوی از مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۲۳)

ه) **کیفیت قوانین و مقررات:** این شاخص، توانایی حکومت را در تدوین و اجرای سیاست‌های بی‌عیب و نقص و قوانینی می‌سنجد که اجازه توسعه به بخش خصوصی را می‌دهند و آن را ترویج می‌کنند. (Kaufmann, 2007: 184) این شاخص مفاهیمی از قبیل مقررات مربوط به صادرات و واردات، کنترل‌های قیمت، سیستم مالیات‌گیری، مداخله حکومت در بازار، دستمزدها، سرمایه‌گذاری خارجی، سیستم بانکداری، رقابت تجاری و تجارت غیرعادلانه را مورد سنجش قرار می‌دهد. (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۲۴)

ی) **کنترل فساد:** این شاخص، حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن قدرت عمومی به سود منافع شخصی چه به شکل عمده و چه به شکل جزئی فساد اعمال می‌گردد. علاوه بر این، بیانگر این است که آیا دولت تحت سیطره نخبگان و منافع عده‌ای به‌خصوص است یا خیر. (Kaufmann, 2007: 184) شاخص کنترل فساد مفاهیمی همچون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی (مهرگان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۸) و اعتماد عمومی به صداقت مالی سیاستمداران را اندازه‌گیری می‌کند. (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۲۴) نمودار زیر به تبیین شاخص‌های حکمرانی خوب می‌پردازد:



الگوی (۲): شاخص‌های حکمرانی خوب

همانگونه که مشاهده می‌شود در هر جامعه‌ای که از یک سو حاکمیت قانون برقرار، میزان پاسخگویی مطلوب و اثربخشی دولت بالا و از سوی دیگر میزان فساد پایین، مقررات اضافی محدود، بی‌ثباتی سیاسی اندک و خشونت کمتر باشد، شاهد تحقق حکمرانی خوب در آن جامعه هستیم.

۳-۲- توسعه سیاسی:

توسعه سیاسی^۱ را افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه را توسعه سیاسی گویند. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است. هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پارکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات سیاسی اشاره می‌کند، در حالیکه توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر، در حالیکه نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را لوازم توسعه سیاسی دانسته‌اند. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ۴۴۵)

توسعه سیاسی به مفهوم وسیع آن، یعنی توسعه نهادها، دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی که نظام قدرت سیاسی یک جامعه را تشکیل می‌دهد، توسعه سیاسی به شیوه‌های متفاوتی تعریف شده است که بازتاب گذر جوامع و دل‌مشغولی‌های تحلیلگران است. مشارکت سیاسی، یکی از فرآیندهای اساسی توسعه سیاسی است که به شرکت ارادی آگاهانه و آزادانه شهروندان در فعالیت‌های سیاسی حزبی، انتخاباتی و پارلمانی دلالت می‌کند. (راد و فتحی، ۱۳۹۳: ۴۷)

امین‌زاده (۱۳۷۶) در تعریف توسعه سیاسی چنین آورده است که: «توسعه» بازگردان فارسی واژه Development بوده و از فعل Develop مشتق می‌شود. معنای این واژه در فرهنگ لغت به صورت رشد تدریجی به اشکال مختلف و تدریجاً کامل‌تر شدن، بزرگ‌تر شدن، بهتر شدن و غیره، بیان شده است. De-velop در مقابل En-velop به مفهوم پوشش و لفاف و به معنای خارج شدن از لفاف و پوشش می‌باشد؛ که به تعبیر دیدگاه نوسازی، لفاف جامعه سنتی، فرهنگ و ارزش‌های آن است. اصطلاح توسعه

¹ Political Development

بیان‌کننده آن است که چیزهایی تغییر می‌کند. بدین مفهوم «توسعه سیاسی» نیز بیان‌کننده تغییر در پدیده سیاسی است. اما چگونگی تغییر، جهت‌گیری تغییر، ابعاد تغییر، موضوع تغییر، مسائلی است که مباحث پیچیده توسعه سیاسی و چالش‌های پیرامون آن را شکل داده است. «لوسین پای»^۱ یازده تعریف را به عنوان تعاریف توسعه سیاسی مطرح و نقد می‌کند که عبارتند از: ۱- توسعه سیاسی به مفهوم مقتضیات سیاسی و پیش‌نیاز سیاسی توسعه اقتصادی؛ ۲- توسعه سیاسی به مفهوم افزایش کارایی اداری و ظرفیت دولت برای اجرای سیاست‌های عمده (دولت‌سازی)؛ ۳- توسعه سیاسی به مفهوم تبعیت جامعه از الگوی رفتاری مدرن و جانشین شدن صلاحیت‌های اکتسابی به جای ملاحظات انتسابی و جانشین شدن کارکردهای ویژه به جای کارکردهای پراکنده (نوسازی سیاسی)؛ ۴- توسعه سیاسی به مفهوم توسعه کارایی سیستم و ظرفیت ساختار اداری دولت و حکومت و ظرفیت و توان تحمل سیستم در برابر چالش‌ها؛ ۵- توسعه سیاسی به مفهوم خلق یک دولت - ملت پایدار و توانا در جهان نو (دولت - ملت‌سازی)؛ ۶- توسعه سیاسی به معنی توسعه دموکراسی، افزایش آزادی، حاکمیت مردم و نهادهای آزاد (دموکراسی‌سازی)؛ ۷- توسعه سیاسی به مفهوم بسیج عمومی و مشارکت مردم؛ ۸- توسعه سیاسی به معنای پایداری و تغییر سامان یافته جامعه؛ ۹- توسعه سیاسی به مفهوم بسیج و قدرت. این تعریف بیان‌کننده قدرت بالقوه دولت در به حداکثر رساندن بسیج منابع است. ۱۰- توسعه سیاسی به عنوان جنبه‌ای از پدیده چند بُعدی تغییر اجتماعی؛ ۱۱- توسعه سیاسی به عنوان نوعی احساس وابستگی ملی در امور بین‌المللی. لوسین پای تمامی این تعاریف را به نقد می‌کشد و تعریف خود را از توسعه سیاسی به عنوان یک پدیده سه‌وجهی با مشخصات ذیل ارائه می‌کند: ۱- برابری و مشارکت سیاسی؛ ۲- ظرفیت سیستم سیاسی برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد؛ ۳- متمایز کردن و تخصصی کردن ساختارهای اداری و کارکرد آنها. (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۷-۱۰۶)

۳- الگوی حکمرانی خوب و توسعه سیاسی

همانگونه که عنوان گردید، UNDP حکمرانی را «اعمال اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری به منظور اداره امور کشور در تمام سطوح دانسته» است که «این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که توسط آن شهروندان و گروه‌ها منافع خود را تأمین می‌کنند، حقوق قانونی خود را مطالبه کرده و به تعهدات خود عمل می‌کنند و تفاوت‌های خود را بیان می‌دارند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷: ۹). بانک جهانی نیز «حکمرانی را روشی برای اعمال قدرت به منظور مدیریت اقتصاد و منابع اجتماعی کشور جهت نیل به توسعه» دانسته است. که بر اساس این تعریف، مفهوم حکمرانی ارتباط مستقیمی با مدیریت فرآیندهای توسعه در دو بخش عمومی و خصوصی دارد.

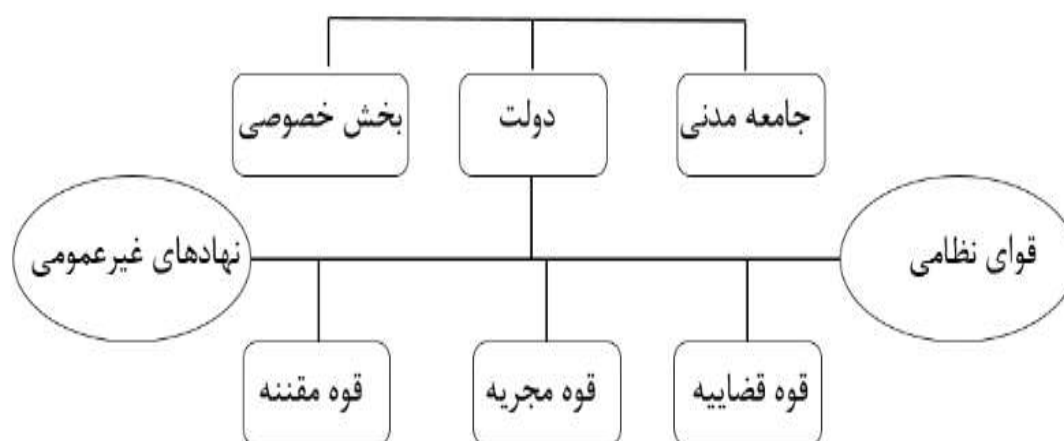
آنچه که در حکمرانی خوب حائز اهمیت است ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است که اگر چنین وضعیتی رخ دهد، حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه شکل می‌گیرد. با این شرایط دولت چارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی را تعیین کرده، بخش خصوصی تولید ثروت کرده و ایجاد اشتغال می‌کند و جامعه از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارتباط متقابل جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. از آنجا که هر یک از این سه حوزه ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، حکمرانی خوب را به ویژه در ارتباط با الزام توسعه پایدار به منزله وجود یک ارتباط سازنده میان این سه حوزه می‌دانند. (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۷۶)

ارتباط سه حوزه مذکور مبتنی بر الگوی تعاملی است که در آن هر یک از این سه بخش با وظایف و کارکردهای خود، در پیشبرد سایر بخش‌ها نقش ایفا می‌کنند. بازیگران هر حوزه در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند. بازیگران حوزه

¹ Lucian Pye

دولت بازیگران محلی و ملی را در سطح قوای سه گانه (مجریه، مقننه و قضاییه) و مؤسسات عمومی (مانند شهرداری ها و قوای نظامی) تشکیل می دهند. بازیگران حوزه جامعه مدنی، انجمن های حرفه ای، سازمان های مردم نهاد، نهادهای دانشگاهی و پژوهشی، رسانه های جمعی، گروه های مذهبی و سازمان های مدنی است و بازیگران بخش خصوصی شامل شرکت های کوچک، متوسط و بزرگ، اتحادیه ها و انجمن های تجاری و سرمایه گذاری، اتاق بازرگانی و شرکت های چند ملیتی است. (قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۸)

لازم به ذکر است که در الگوی حکمرانی خوب، این سه حوزه (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی) در ساختاری افقی و هم تراز به تعامل با یکدیگر می پردازند. در این ساختار اجزاء دارای ارتباط متقابل با همدیگر هستند و ارتباط آنها به گونه ای است که هم افزایی و اتحاد میان بازیگران در ترسیم استراتژی های کلان و اصلی برقرار می شود. ساختار در عرصه اجتماعی و عمومی سلسله مراتبی نیست. (الوانی، ۱۳۸۸: ۳) به تعبیری دیگر الگوی حکمرانی خوب هنر سازوکار و تعامل میان نیروهای اجتماعی یعنی بازار، دولت و جامعه مدنی است. (Elsnhans, 2001: 35) در این ساختار بر روی تصمیمات و اجرای سیاست های کلی ضمن گوناگونی و تضارب نظرات یک توافق کلی و کلان وجود دارد و تعاملات بر مبنای نیازها و سازوکار اصلی جامعه برقرار است. (Borzil, 2008: 5) صندوق توسعه ملل متحد ارتباط سه حوزه تعاملی در الگوی حکمرانی خوب را بر اساس ساختار زیر معرفی می کند: (UNDP, 1997)



الگوی (۳): ساختار اجتماعی الگوی حکمرانی خوب (UNDP, 1997)

بر این اساس، حکمرانی خوب با قابلیت های نهادی و ماهوی دولت و مشارکت شبکه ای و افقی جامعه و همکاری و اعتماد بین آنها در بخش های مختلف توسعه تأثیر گذار است. ولیکن نمود این تأثیر گذاری را در توسعه سیاسی می توان اینگونه تبیین کرد:

حکمرانی خوب با سوق دادن زندگی اجتماعی در قالب عضویت در شبکه و گروه های اجتماعی متنوع و فعالیت رسانه های گوناگون، شرایط را برای شکل گیری جنبه های ذهنی و عینی دموکراسی سیاسی فراهم می کند و هم برای ساختار و هم محیط و رفتار سیاسی تأثیر گذار است. (بشیری، ۱۳۸۵: ۲۴۸) بدین معنا که، ساختار شبکه ای و افقی در حکمرانی خوب تساهل و تعادل سیاسی را برقرار می کند. همه اجزاء در شبکه با هم ارتباطی هم عرض و هم سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست. زندگی در شبکه نفی سلطه است و بازیگرانی که در حلقه شبکه با هم زندگی می کنند، تعامل و تعادل را پیشه می کنند. مفاهیم با یکدیگر را می آموزند و یاد می گیرند که چگونه با تفاوت ها و تنوع های دیگران کنار بیایند. آنها در اندیشه اینکه همه را مانند خود کنند نیستند و با ناهمانندی ها و ناهمسانی ها خو می گیرند. (الوانی، ۱۳۸۸: ۱) در بستر احزاب، اتحادیه ها و سازمان های

رسمی، صنفی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی متخصصان و اندیشمندان و در واقع توسعه‌سازان احساس امنیت کرده و می‌توانند بروز خلاقیت کنند. (رفیعی، ۱۳۸۰: ۶۲)

سه مؤلفه اصلی پیشرفت یعنی آزادی، آگاهی و برابری خصوصاً بین زن و مرد مطرح می‌شود. بنابراین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد سازنده بین مؤلفه‌های اصلی یک جامعه سیاسی است تا مطلوب‌ترین ستانده‌ها عاید یک جامعه گردد و با رضایت نسبی بخش‌های مختلف یک جامعه همراه شود. (Rosendale & Poluha, 2002: 51) از خصوصیات ذاتی نظام سیاسی در این الگو حاکمیت قانون و پاسخگویی است که با ایجاد تفکیک قوا و توازن بین آنها تحقق عملی پیدا می‌کند. رفتار برابر و بدون تبعیض با همه مردم در مقابل قانون و وجود نهادهای قضایی مؤثر، کارآمد و عادلانه شرط ذاتی و جدایی ناپذیر حمایت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده خودسرانه مقامات حکومتی از اختیارات و صلاحیت‌های خود و اعمال غیرقانونی سازمان‌ها و افراد می‌باشد و باعث می‌شود حکومت خود را نسبت به آنان مسئول و پاسخگو بداند. با این شرایط سلامت سیاسی تضمین و اعتماد بین مردم و دولت برقرار می‌شود و بحران‌های گوناگون در جامعه مرتفع می‌گردد. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۰)

بنابراین نظام سیاسی مبتنی بر الگوی حکمرانی خوب ثبات و تعادل سیاسی را فراهم آورده، مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی را باعث شده، برابری، تفکیک ساختاری و حاکمیت قانون و پاسخگویی را هم در سطح سازمانی و هم حکومتی موجب می‌گردد.

۴- روایی و پایایی پرسشنامه

۴-۱- روایی

روایی^۱ عبارت است از میزان انطباق مشاهدات و پرسش‌های تحقیق باهدف اصلی پژوهش (ازکیا، ۱۳۸۲: ۵۰۱). به عبارت دیگر منظور از روایی این است که ابزار سنجش تا چه میزان می‌تواند به‌طور صحیح همان چیزی را که می‌خواهد بسنجد. در این پژوهش از «اعتبار صوری» پرسشنامه استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها از طریق مراجعه به داوران است. به همین منظور سعی گردید برای سنجش متغیرها از گویه‌هایی استفاده شود که اساتید مجرب بر آن‌ها تأکید دارند. لذا بعد از تنظیم پرسشنامه، به رؤیت این اساتید و متخصصان مربوط رسانده و رفع اشکال می‌گردد.

۴-۲- پایایی

پایایی^۲ یک اندازه‌گیری زمانی قابل اعتماد است که با تکرار آن در مواقع دیگر، همان نتایج به دست آید. اگر افراد در موقعیت‌های مکرر به یک سؤال به گونه مشابهی پاسخ دهند، این سؤال دارای پایایی است. (دواس، ۱۳۸۵: ۶۵). به لحاظ پایایی وسیله معتبر آن است که دارای ویژگی‌های تکرارپذیری باشد، یعنی بتوان آن را در موارد متعدد به کار برد و در همه نتایج یکسانی به دست آورد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۶)

برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه حاضر از ضریب «آلفای کرونباخ» استفاده می‌گردد. در واقع برای محاسبه انسجام درونی پرسشنامه از این ضریب استفاده می‌شود. چرا که می‌خواهیم ببینیم آیا همه گویه‌ها موضوع مورد پژوهش را پاسخ می‌دهند یا خیر؟

¹ Validity

² Reliability

متغیر	آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	۰/۷۵
رقابت سیاسی	۰/۷۷
انسجام سیاسی	۰/۷۳
اعتماد سیاسی	۰/۸۸
حکمرانی خوب (متغیر وابسته)	۰/۹۱

جدول (۱): پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

با توجه به اینکه ضریب آلفای شاخص متغیر وابسته ۰/۹۱ و متغیر مستقل ۰/۸۰/۷۵ به دست آمد، لذا گویه‌های طراحی شده دارای قابلیت اعتماد پایایی لازم است.

۵- یافته‌ها

۴۳ درصد جمعیت در این تحقیق را زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند که ترکیب سنی این افراد نیز ۵ درصد در سنین بین ۱۸-۲۸ سال، ۲۷ درصد در سنین ۲۹ تا ۳۹ سال، ۳۸ درصد در سنین بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۲۴ درصد در سنین ۵۱ تا ۶۱ سال و نهایتاً ۶ درصد در سنین بالای ۶۲ سال هستند. بر این اساس بیشترین حجم نمونه دارای سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال بوده و کم‌ترین حجم نمونه را افراد بین ۱۸ تا ۲۸ سال تشکیل می‌دهند. نسبت سطح تحصیلات نیز بدین گونه است که ۲۶ درصد را افراد دارای مدرک کارشناسی، ۴۲ درصد را افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و ۳۲ درصد پاسخ‌دهندگان را افراد با مدرک دکترا تشکیل می‌دهند.

در این تحقیق برای به دست آوردن ارتباط بین متغیرهای مستقل (توسعه سیاسی) و وابسته (حکمرانی خوب) از آزمون‌های «ضریب همبستگی پیرسون^۱» و «رگرسیون چند متغیره^۲» استفاده شده است.

فرضیه اصلی: بین توسعه سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
توسعه سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰

جدول (۲): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر توسعه سیاسی و حکمرانی خوب

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر توسعه سیاسی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۴۴۲ بین دو متغیر یاد شده رابطه معنادار وجود دارد. یعنی به هر میزانی که در جامعه به سوی ارتقاء توسعه سیاسی گام برداشته شود، به همان میزان شرایط برای تحقق حکمرانی خوب فراهم می‌گردد.

فرضیه (۱) بین مشارکت سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
مشارکت سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۱۰۸	۰/۰۳

جدول (۳): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت سیاسی و حکمرانی خوب

¹ Pearson Correlation Coefficient

² Multivariate Regression

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۳ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۰۸ بین دو متغیر رابطه معناداری برقرار است. بدین معنا که با افزایش میزان مشارکت سیاسی افراد جامعه، شاهد ارتقاء میزان حکمرانی خوب در آن جامعه هستیم.

فرضیه ۲) بین رقابت سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
رقابت سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر رقابت سیاسی و حکمرانی خوب

نتایج این محاسبه نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ بوده، بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۸۵ بین دو متغیر رابطه معناداری برقرار است. یعنی هر اندازه رقابت سیاسی آزادانه‌تر وجود داشته باشد، به همان میزان شاهد تحقق حکمرانی خوب در جامعه هستیم.

فرضیه ۳) بین اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰

جدول (۵): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر اعتماد سیاسی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۳۳ بین دو متغیر یاد شده رابطه معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش اعتماد سیاسی در جامعه، شرایط برای تحقق حکمرانی خوب نیز بیشتر مهیا می‌گردد.

فرضیه ۴) بین انسجام سیاسی و حکمرانی خوب رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
انسجام سیاسی	حکمرانی خوب	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰

جدول (۶): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر انسجام سیاسی و حکمرانی خوب

جدول فوق به صراحت نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر درصد رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر میزان انسجام اجتماعی و حکمرانی خوب وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی (۰/۳۴۱) می‌توان گفت دو متغیر رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. بدین معنا که یکی از شرایط اساسی برای تحقق حکمرانی خوب، میزان بالایی از انسجام سیاسی است.

۶- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همانگونه که گفته شد، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، پس از گذشت ۴۰ سال از وقوع انقلاب اسلامی، با نگاهی «آینده‌نگرانه و راهبردی» چهل سال نخست این انقلاب را «مرحله ایجاد انقلاب و

نظام‌سازی» دانسته و شرایط کنونی را مرحله «دولت‌سازی» عنوان داشتند. به عبارت دیگر، در حال حاضر در مرحله «دولت-سازی» هستیم ولیکن هنوز به مرحله «جامعه‌سازی» نرسیده‌ایم. یکی از ویژگی‌های مهم این بیانیه «واقع‌نگری» و «تحلیل منصفانه» آن است؛ بدین معنا که رهبر انقلاب در این بیانیه فقط نقاط مثبت انقلاب را مطرح نکرده‌اند، بلکه کاستی‌های آن را هم خیلی صادقانه بیان داشته و اشتباهات را یادآوری کرده‌اند. از سوی دیگر این بیانیه «توجهی ویژه بر جوانان» داشته و این طیف را «موتور محرکه و پیشران انقلاب» دانسته‌اند. وانگهی ایشان در بیانیه راهبردی خود بر «چهل سال آینده» تأکید دارند. همه این موارد را می‌توان ذره‌ای ناچیز از معنا و محتوای بیانیه گام دوم انقلاب قلمداد کرد.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران را یکی از نتایج بزرگ انقلاب اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «(انقلاب) اولاً به ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) با غور و تأمل در این بند راهبردی از بیانیه، می‌توان ارتباط آن را با مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب، به آشکارا مشاهده کرد؛ از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به «حفظ ثبات» و «کارایی دولت» اشاره داشت که نمود این امر در چهل سال گذشته انقلاب و در عبور نظام از عوامل بر هم زننده ثبات و امنیت کشور (مواردی چون کودتا، جنگ تحمیلی، فتنه‌ها، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و...) می‌توان به وضوح دید.

به‌راستی، هدف از توسعه سیاسی و ایجاد بسترهای مناسب برای تحقق حکمرانی خوب، پیشگیری از وقوع بحران‌های سیاسی همچون مشروعیت، مشارکت، نفوذ و... است. نتیجه بروز بحران در هر کشوری بر هم خوردن ثبات سیاسی و نهایتاً از بین رفتن امنیت در آن کشور است. و این در حالی است که به راحتی می‌توان ادعا داشت که مهم‌ترین دستاورد چهل ساله انقلاب اسلامی، حفظ امنیت و ثبات کشور در عبور از بحران‌های بزرگی مانند هشت سال جنگ تحمیلی بوده است. تحقق چنین دستاورد شگرفی بر اساس دو خصیصه «ملت پایه شدن» و «ارتقای سطح امنیت» می‌باشد. ملت پایه بودن امنیت بر «حمایت و مشارکت مردم» برای ارتقاء سطح امنیت ملی در جامعه اشاره دارد. اختصاص هفت اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت نقش و مشارکت مردم در حفظ و پاسداشت تمامیت ارضی از برجستگی‌ها و ویژگی‌های بارز امنیت ملت پایه در جمهوری اسلامی ایران است. (بهمنی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

از شاخص‌های توسعه سیاسی می‌توان به مشارکت و انسجام سیاسی هم طیف‌های جامعه در مسائل کشور اشاره نمود که این مهم به صراحت و به صورت متعدد در قالب بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله آن که معظم‌له، بر جمعیت ۳۵ میلیون نفری جوانان تأکید داشته و این تعداد جوان را ظرفیت بسیار عظیمی می‌داند که می‌تواند در حرکت انقلاب به سوی آینده نقش بسیار زیادی داشته باشند. به ویژه آنکه بیش از ۱۴ میلیون نفر از این جوانان تحصیلات دانشگاهی دارند. چرا که منابع انسانی جوان در هر کشوری می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه را در آن کشور فعال نموده و پیشرفت سریع را فراهم آورد.

همانگونه که در مباحث رابطه توسعه سیاسی و حکمرانی خوب ذکر کردیم، توسعه سیاسی بخشی از فرآیند پیچیده توسعه ملی است که در دو بُعد توسعه مشارکت سیاسی و توسعه رقابت سیاسی متجلی می‌شود. که این دو امر مهم و اساسی به گرات هم در سابقه تاریخی انقلاب اسلامی و هم در محتوای بیانیه گام دوم تجلی یافته است. در بیانیه گام دوم و در ذیل سومین شاخصه از برکات انقلاب با عنوان «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی» آمده است: «(انقلاب اسلامی) مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی، مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج خود رسانید.» و این در حالی است که نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی خود با تکیه بر شاخصه‌های نظام‌ساز مردم‌سالار، از جمله

همه‌پرسی شکل گرفت و پس از آن نیز با برگزاری بیش از چهل انتخابات متعدد و روی کار آمدن دولت‌ها با گرایش‌ها و سلاقی گوناگون نشان داد ملاک حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، «رای مردم» است. مؤلفه‌های توسعه سیاسی نمود خود را در میزان مشارکت مردم در انتخابات گوناگون تاریخ انقلاب نشان می‌دهند. آنجا که بیش از ۵۰ درصد و در مقاطعی بیش از ۹۰ درصد مردم در همه‌پرسی‌ها مشارکت داشته‌اند.

از سوی دیگر، حضور گروه‌های گوناگون از گستردگی ایده‌ها و حق انتخاب‌ها حکایت دارد که تجلی‌گر توسعه سیاسی در کشور است. هر چند انتخابات و توسعه سیاسی در کنار اینکه فرصت‌هایی را برای کشور ایجاد کرده‌اند، اما در مواقعی نیز تهدیداتی را به مانند فتنه ۸۸ به وجود آورده‌اند. از نظر «برینگتون مور» جامعه‌شناس مشهور «توسعه، یک روند هموار و ساده نیست؛ بلکه سرشار از تضادها و چالش‌هاست». بنابراین در نظر گرفتن تهدیدها خللی بر اصل توسعه سیاسی وارد نمی‌کند؛ زیرا توسعه مستلزم حرکت همیشگی و بدون تهدید و چالش نیست، بلکه مهم ثبات و حفظ ساختار حاکم بر نظام است. مشروعیت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران به پشتیبانی ملت است. این فرآیند در جمهوری از طریق انتخابات آزاد شورایی و مشارکت سیاسی متجلی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نظرات مردم از اهمیت خاصی برخوردار بوده و نظام سیاسی در جهت تحقق خواسته مردم حرکت می‌کند. بنابراین آنچه جمهوریت و اسلامیت را به یکدیگر نزدیک می‌کند، انتخابات آزاد رهبری، ریاست‌جمهوری، نمایندگان مجلس و انتخابات غیرمستقیم رهبری نظام است. (رحمتی، ۱۳۹۸: ۱۰۴)

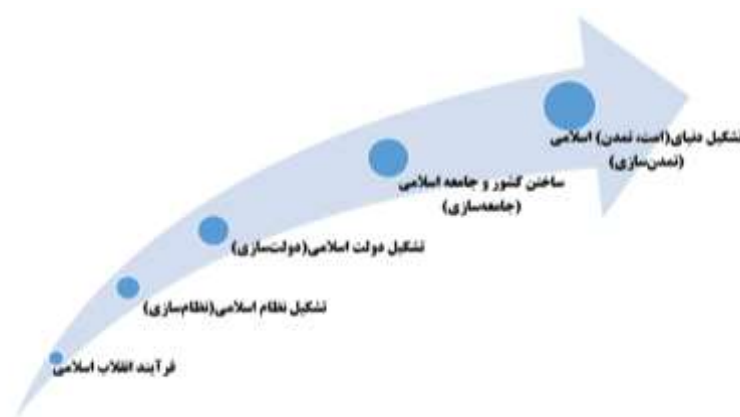
از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب می‌توان به «کنترل فساد» اشاره داشت. از آنجایی که یکی از چالش‌های مهم پیش روی کشور، فساد در حوزه‌های گوناگون است، رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را مطرح کرده‌اند. معظم‌له در این زمینه در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «فسادی اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست...» ایشان در ادامه نیز تأکید می‌کنند: «البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و به‌خصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و به‌حمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است». (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

اگر چه در ذات قدرت، فساد است و این موضوع به جمهوری اسلامی ایران محدود نیست؛ اما دشمنان جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از امپراتوری رسانه‌ای خود و همچنین با استفاده از شبکه‌های نوظهور برعلیه جمهوری اسلامی ایران تلاش دارند موضوع فساد را در سه حوزه اقتصاد، اخلاق و سیاست برجسته کنند. فساد اقتصادی در قالب‌هایی نظیر اختلاس و دزدی از بیت‌المال، حقوق‌های نجومی و در نظر گرفتن بیت‌المال به منزله «حق از سفره انقلاب» بروز می‌کند. (عمادی، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

فساد اخلاقی نیز در قالب‌های گوناگون، از جمله سوءاستفاده از قدرت، بهره‌گیری از قدرت برای تمایلات نفسانی و فساد سیاسی نیز در قالب‌هایی نظیر برتری‌دادن منافع شخصی بر منافع ملی، به‌کار گرفتن اعضای خانواده در ساختار قدرت و فامیل‌گرایی در قدرت بروز و ظهور می‌یابد. بدون شک، رخنه و گسترش فساد سه‌گانه اقتصادی، اخلاقی و سیاسی پیامدهای بسیار مخربی نظیر بی‌اعتمادی مردم به نظام، افزایش شکاف طبقاتی، ناتوانی نظام سیاسی در اجرای عدالت و ایجاد ناامیدی در میان مردم و حتی شکل‌گیری شورش‌های اجتماعی و ایجاد چالش‌های امنیتی می‌شود. (عمادی، ۱۳۹۸: ۱۵۲)

بی‌شک تحقق حکمرانی خوب از مسیر توسعه سیاسی فراهم می‌گردد، ولیکن دستیابی به توسعه سیاسی خود نیازمند به مقدماتی است از جمله این مقدمات و حتی بالاترین و مهم‌ترین آنها، لزوم وجود «خط‌مشی» و «نقشه‌راه» خواهد بود. در این بین بیانیه گام دوم با محتوای راهبردی هفت‌گانه خود، به منزله نقشه، مسیر و چراغ راه انقلاب مطرح می‌گردد که لازم است اجزاء آن مورد توجه تمام آحاد جامعه قرار گیرد. این نقشه فراتر از چراغ است، زیرا چراغ مسیر را برای گذار روشن می‌سازد تا بتوانیم بر صراط مستقیم و درست گام بر داریم؛ ولیکن نقشه هدف و آرمان‌ها را معین می‌سازد تا بدانیم به کدام سو در حرکتیم. و این نکته ظریف همان است که خداوند متعال در قرآن کریم و سوره حمد بدان اشاره داشته و انسان را تشویق بر ماندن در «صراط» نموده است و از گام بر داشتن در مسیر «الضالین» بر حذر نموده است. وانگهی راه و هدف لازم و ملزوم یکدیگرند بدان معنا که اگر راه درست باشد و هدف معیوب، قطعاً بر خطا خواهیم بود و چنانچه هدف درست باشد ولیکن مسیر را اشتباه برویم باز بر راه گمراهان قدم برداشته‌ایم.

آن‌گونه که در متن بیانیه گام دوم آمده است، این انقلاب با گذشت چهل سال از عمر خود، تا کنون از دو مرحله «انقلاب اسلامی» و «تشکیل نظام اسلامی» عبور کرده است و به زعم ایشان مرحله سوم را که تحقق اهداف انقلاب و «تشکیل دولت اسلامی» است، در حال گذار می‌باشیم. بنابر نظر معظم‌له، مراحل چهارم و پنجم این انقلاب «تشکیل کشور اسلامی» و «تشکیل دنیای اسلام» است و لذا برای رسیدن به آنها، وظایف و انتظاراتی برای همگان از مسئولین، عامه مردم، تحصیل‌کردگان و اساتید و... می‌رود که می‌بایست در قبال آن جدیت و اهتمام داشته باشند. مراحل انقلاب در کلام مقام معظم رهبری به شکل الگوی مفهومی زیر می‌باشد:



الگوی (۴): الگوی مفهومی مراحل انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

همانگونه که مشاهده می‌شود، در حال حاضر نیز که در دوران گذار مرحله سوم (تشکیل دولت اسلامی) هستیم، بیشترین حجم سخنان معظم‌له مربوط به این مرحله است: «الان هم در مرحله اسلامی کردن دولت (تشکیل دولت اسلامی) هستیم و باید تمرکز کار و فعالیت‌ها، برای تحقق شایسته این مرحله باشد...» و در ادامه می‌فرمایند: «اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد».

بیانیه گام دوم به منزله نقشه‌ای است برای رسیدن به هدف که همان استقرار حکومت الهی بر روی زمین می‌باشد و مسیر نیز توسعه سیاسی است با مبانی والا و متعالی اسلامی. در این مسیر بایسته‌هایی نیاز است که رعایت آنها تضمین‌کننده بقای ولایت الهی بر روی زمین و تکریم مقام والای انسانیت است. هدف نیز نه کسب قدرت و شوکت دنیوی، بلکه استقرار حکومت حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) بر روی زمین خواهد بود.

ایشان برای تشکیل دولت اسلامی ویژگی‌هایی را بیان می‌دارند که همگی در تناظری آشکار و ارتباطی مستقیم با مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی (مشارکت، رقابت، انسجام و...) و حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کنترل و مبارزه با فساد و...) هستند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیمی آنها داشت را تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.
- این اصالت‌ها و ثوابت حیات بشری در طول تاریخ را امیرالمؤمنین (ع) بیان می‌کنند؛ ما آنها را می‌خواهیم؛ عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییر پذیر نیست.
- باید به سمت زندگی علوی (ع) برویم... باید روح زندگی علوی (ع) یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست.
- در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پابندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد.
- قوای مقننه و قضاییه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

۷- نتیجه‌گیری

با عنایت به تعاریف مفاهیم، چارچوب‌های نظری و داده‌های ناشی از پرسشنامه‌ها و نیز بررسی‌های به عمل آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که ارتباط میان توسعه سیاسی - به‌ویژه مؤلفه‌های آن رقابت سیاسی، انسجام سیاسی و اعتماد سیاسی - و تأثیر آنها بر حکمرانی خوب به‌گونه مستقیم است. به نحوی که توسعه سیاسی زمینه لازم را برای گسترش و فزونی شرایط تحقق حکمرانی خوب فراهم می‌آورد. الگوی حکمرانی خوب نیز با توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌هایش که مبتنی بر پاسخگویی، قانون‌محور، کارایی، ثبات سیاسی، شفافیت، مسئولین‌پذیری و کنترل فساد است و همچنین با توجه به مدل ساختاری که مبتنی بر سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است، نظام نوینی را طراحی می‌کند که بر اساس آن می‌توان از همه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جامعه برای ارائه خدمات عمومی کارآمد و بهینه استفاده به عمل آورد.

بیانیه گام دوم انقلاب نیز با رویکردی که دارد در تلاش است تا «نقشه‌راهی» برای آینده انقلاب و تحقق اهداف آن که متضمن نیازهای مادی و معنوی مردم است را ترسیم نماید. بدین معنا که این بیانیه ضمن پرداختن به وضعیت گذشته و لزوم درس و عبرت‌گیری از آن به تبیین مسیر پر فراز و فرود چهل ساله انقلاب پرداخته و راهکارهایی برای آینده این انقلاب ارائه می‌دهد. با توجه به لوازم و الزامات حرکت در مسیر آینده، بخش مهمی از این بیانیه به الزامات و بسترسازی و فضا سازی‌های آن می‌پردازد که از خلال آن راهبردهایی برای هر سه حوزه مورد نظر حکمرانی خوب یعنی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی ارائه می‌دهد که نتیجه آن حرکت قطار انقلاب در مسیر پیشرفت و تعالی خواهد بود.

منابع و مأخذ:

- ۱) ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- ۲) اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۸). «بیانیه گام دوم در قالب راهبردی»، در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا.
- ۳) امام جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان». دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال ۸، شماره ۱.
- ۴) امین‌زاده، محسن (۱۳۷۶). «توسعه سیاسی». اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱۱۸-۱۱۷.
- ۵) آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ اول.
- ۶) بشیریه، حسین (۱۳۸۵). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی). تهران: نگاه معاصر.
- ۷) بهمنی‌قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). «حقوق آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی و قوانین موضوعه ایران». تهران: گفتگو.
- ۸) بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.
- ۹) بیگدلی، ایمان‌الله و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل شناختی - اجتماعی پیام‌های تبلیغاتی انتخابات دوره یازدهم ریاست‌جمهوری ایران با توجه به مدل حکمرانی خوب». دو فصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵.
- ۱۰) دواس، دی‌ای (۱۳۸۵). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ غایبی. تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- ۱۱) راد، فیروز و فتحی، علی (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی در ایران از سال ۱۳۸۴-۱۳۵۷». مطالعات علوم اجتماعی ایران. سال ۱۱، شماره ۴۳. زمستان ۱۳۹۳.
- ۱۲) رحمتی، مهدی (۱۳۹۸). «دستاوردهای انقلاب در گام اول». در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا.
- ۱۳) رفیعی، محمدحسین (۱۳۸۰). توسعه ایران: نقدی بر گذشته، راهی به سوی آینده، تهران: نشر صمدیه.
- ۱۴) زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.
- ۱۵) ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: نشر کیهان.
- ۱۶) ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم، جلد ۱.
- ۱۷) شریف‌زاده، فتاح. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت». فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۸) صفریان، روح‌اله و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۶). «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه»، فصلنامه دولت پژوهی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲.
- ۱۹) عمادی، سیدرضی (۱۳۹۸). «چالش‌ها و آسیب‌های داخلی فراروی انقلاب اسلامی». در درآمدی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا.
- ۲۰) قاضی طباطبایی، محمود. نصرتی، روح‌اله و کاظمی، علی (۱۳۹۱). «ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی»، فصلنامه توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- ۲۱) قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت». تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم.
- ۲۲) مهرگان و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیرات شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی»، دانش ارزیابی، سال اول، شماره ۲.
- ۲۳) میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب؛ بنیاد توسعه»، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ۲۴) نادری‌قمی، محمدمهدی (۱۳۹۴). «نقد و ارزیابی مبانی نظر حکمرانی خوب». خبرگزاری فارس: ۱۳۹۴/۰۷/۰۷
- ۲۵) الوانی، سیدمهدی و محمدنژاد عالی‌زمینی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «طراحی الگوی بهبود سطح سرمایه اجتماعی شهروندان در عصر جهانی - شدن».
- ۲۶) هراتی، محمدجواد، آزرمی، علی (۱۳۹۶). «تبیین جنبش‌های عربی بر مبنای مدل «حکمرانی خوب»». فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶.

- 27) Brazil, Tonga (2008). Good Governance in the European Union, Berlin.
- 28) Dutta J.2008, "Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence", Journal of Comparative Economics, 36.
- 29) Dutta. J. 2008, "Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence", Journal of Comparative Economics, 36.
- 30) Elsenhans. H (2001). "The Political Economy of good Governance". Journal of perspective on Global Development and technology. Number (2) 56-33.
- 31) Graham, John fetal (2003) "principle for good Governance in the 21 Century", policy Brief, No 15. <http://www.log.ca>.
- 32) Huther and Shah (2000), "Applying a simple measure of good Governance", present at: www.Worldbank.org/wli/governance/pdf/wps.
- 33) Kaufmann, Daniel, 2007. Aggregate and Governance Indicators 1996-2006, World Bank.
- 34) Osborne, Denis, 1993. Good Governance Initiatives in the Global Context, in: Hong Kong Administration (Journal), Vol. 2, 1993. Pp. 107-116.
- 35) Rosendale & Poluha, 2002: 51
- 36) UNDP (1997), "Governance for Sustainable Human Development" present at: www.undp.org/publications/goodGov.pdf.
- 37) Weiss, T.G (2000), Governance. Good governance and Global Governance, Conceptual and Actual Challenges. Third World Quarterly, 21 (5), 795- 815.